



نوشته از بصیر دهباز

ملت افغانستان به یک دولت ملی، رهبران با اندیشه ملی، با اراده قوی، وطنپرست و با غرور ضرورت دارد

نبود رهبران با اندیشه ملی، ترقیخواه، مستقل، ضد نفوذ و تحمیل اراده نامشروع بیگانگان، دفاع از حق خود رادیت مبتنی بر حاکمیت ملی، تمامیت ارضی، ملت افغانستان را در فقر، محرومیت و حسرت از این ارزش های بالا قرار داده است.

آغاز و تداوم جنگ در بیش از چهل سال اخیر چهره ها، گروه های تنظیمی تشیع و تسنن، حلقات تکنوکراتها و سایر گروه های سیاسی را در مقاطع زمانی روی صحنه آورده است که هر کدام نه تنها تعهداتی بر بیگانگان داشته اند، علاوه بر آن، در اتکا با آنها تمویل گردیده بخشی از جنگ را پیش برده و موازی بر آن زمینه نفوذ و سرمایه گذاری سیاسی و استخباراتی آنها را در کشور و سرزمین خود میسر گردانیده اند. وقتی ما از بیگانگان حرف میزنیم، هدف ما قبول کدام استثنای هم نیست. این واقیعت های تلخ و آسیب پذیر برای آبرو، عزت و افتخار و بلاخره همان " غیرت افغانی " بوده اند. همچنان این اتکا، اعتماد و خوشباوری نشان داده است که ما روی توأمیت های مبتنی بر مذهب، زبان، قوم، اندیشه سیاسی و بلاخره اعتماد بی حد بر آن بیگانگان که صرفن جلایش پر ذوق و برق حقوق بشر، لیبرالیزم و دهها مظاهر دیگر را شعار داده بعضی از ماها را طعمه و جادو نموده، اتکا کرده همه دار و ندار خویش را در اختیار دیگران گذاشته ایم.

به یک جمله کوتاه تجارب، دیده ها و نتیجه گیری های بیش از چهل سال گذشته فکر و اندیشه مرا به همه ارزش ها، مفاهیم و بدیل های موثر متمرکز میسازد که در سالهای دهه شصت، هفتاد و هشتاد سوال و ضرورت عمده زمان بود یعنی " جریانات و مبارزات ضد استعماری، تبارز شخصیت های مبارز و بی بدیل ملی، جبهات ملی ضد استعمار و تشکیل دولت های ملی اند که من در حسرت آنها میاندم. بدون شک آن دوران با این دوران معاصر کنونی از لحاظ شکل متفاوت اند ولی از لحاظ محتوا عین مظاهر دوره استعمار در حالت تکرار قرار دارند. اجانب منطقوی و قدرتهای بزرگ در همان دوره مبارزات بزرگ ضد استعماری پیوسته همه تلاش و توطئه ها را بکار می گرفتند تا حکومت های ضد مردمی، وابسته، ضد ملی و وفاق ملی، دیکتاتوری خشن که به هیچ صورتی نمیتوانستند ممثل اراده مستقل و ملی مردم یک سرزمین باشند، را در اریکه قدرت بنشانند. ولی امروز شیوه کار و چال و نیرنگ تغیر نموده، " چپ اشاره میدهند ولی راست قدم میگذارند " .

مطالب زیرین فاکت های زنده و در حالت وقوع در کشور عزیز و مظلوم ما بیان و تبلور همان مطالب اند که در فوق بدانها اشاره گردیده است.

اتمسفیر شکل داده شده در ورای مذاکرات صلح تحت فشار و در حالت ترکیب قرار دارد. با روند های به اصطلاح گنگ ولی قابل پیشبینی معاملات که در حال شکلگیری اند، مذاکرات صلح را به پروسه زور، تشدید جنگ، اکت و نمایش قدرت، چال و نیرنگ و قابودادن مهره های کفتار نما در بدست آورده سهم خود مبدل ساخته است. مسأله ختم جنگ و آتش بس، بحیث حق اصلی و اولی ملت و اکثریت قاطع و مظلوم کشور عملن زیر پا گردیده است. اکنون نمیتوان این پروسه را "بین الافغانی" خواند، بل بین المنافع، بین المعاملات و بین المعادلات، نه بین دو طرف بلکه بین طرف های متعدد نامید.

فکتور های فشار، نمایش و اکت قدرت:

۱- طالبان در این اواخر با این واقعیت انکار ناپذیر که در جنگ رویاروی با نیرو های دولتی موفقیت ندارند، با گذاشتن مابین های کنار جاده بیشترین تلفات را بر مردمان بیدفاع ملکی وارد مینمایند، گویا با عقده مندی و خصومت قصد از مردم مظلوم و بیدفاع، شامل اطفال، زنان میکشند، ترورهای سیاسی در شهر ها را وسعت داده، با این شیوه عار و شرم گونه اکت و نمایش قدرت مینماید.

این همان طالبان اند که بحیث بیشرم ترین گروه های فاقد وجدان انسانی حتی چشمان یک مادر صاحب پنج طفل را بخاطر خدمت در پولیس ملی با چاقو میکشند و وی را از مادر بودن برای اطفال محروم میسازند، بلی همان طالبان که طفل ده ساله را بخاطر یک احساس طفلانه اش که زردآلو به نظامیان میبرد، با مرمی به قتل میرسانند، فقط یک طفل معصوم و بی خبر از دنیا را!!!! و بلاخره همان عقب مانده ها و بی فرهنگ ترین های اند که قصد و عقده از وسایل موسیقی میکشند و رهبران شان با معاشات چندین ده هزار دالری زنهای بخود نکاح شده را در منازل مفشن در دوحه قطار کرده اند.

نماینده دولت آمریکا "کلاه بردار" خلیزاد جنایات ضد بشری و جنگی طالبان، کشیدن چشمان یک زن، قتل یک طفل ده ساله به جرم احساس طفلانه را محکوم نه بلکه "عجیب !!!" میدانند. همین است دفاع از حقوق بشر آمریکائی برای یک ملت مظلوم بنام افغانستان.

۲- بقایای حزب اسلامی راکت پران، تروریست و قاتل، آقای حکمت یار با یک نمایش و اکت دارد حوادث و نمایشات خشن سالهای شصت و هفتاد را تازه میسازد و با همان تلوار زنگ زده روشنفکران ترقیخواه و ملی اندیش را کافر، ملحد و کمونیست خطاب میکند و خود از قصر زرین و آهنین فتوای جلوگیری از یک حرکت کاملن قانونی و مدنی میدهد. او با یک تیر دو فاخته شکار میکند یعنی مقاومت در برابر شکل گیری اندیشه و قوت نیرو های ترقی خواه و روشنگر و از جانب دیگر نمایش قدرت و دادن اشاره به معامله با طالبان، در همان خط انگلیسی و ابلسی، شریعت دیوبندی و حفظ جهل و تاریکی.

۳- فعالیت های دپلماتیک عبدالله عبدالله، اظهارات مقامات پاکستان و صحبت اخیر آقای خرم، مشاور سابق حامد کرزی توافق سیاسی، بدون بحث آتش بس، توسط طالبان و آمریکائی ها بوی و شمال ایجاد یک حکومت شوم و زشت موقت به رهبری حامد کرزی را به مشام میرساند.

حامد کرزی که وی را به یقین میتوان بحیث پدر فساد، چور و شکل گیری زنجیر های مافیائی در افغانستان نامید، یکجا با عبدالله عبدالله مهره های اصلی حفظ و نفوذ سیطره سیاسی و اقتصادی ایالات متحده آمریکا اند که جامعه مظلوم افغانستان را در یک سیرکل یا دایره قرار داده اند که باید در هر بیست سال به عین نقطه بحران سیاسی برسد که قرار داشت. در نتیجه منافع آمریکا در وجود همین تیم های وابسته و به ظاهر دموکرات حفظ و تداوم میابد. به

بیان دیگر ملت باید فقیر بماند، استخبارات پاکستان برد نماید، منافع دایمی آمریکا تضمین گردد ولی دولت ملی و با اراده مردم هیچگاه عرض وجود نکند و بر دارائی های زیرزمینی خود اختیار و تسلط نداشته باشد. در احوال بغرنج، شکننده و معامله سیاه با سیا این توقع برحق و مشروع خواهد بود که آقایان عبدالله عبدالله، اتمرو کرزی به مانند آقای محب محب موضع خود برای حفظ حیثیت و وجهت دولت بحیث موسسه حقوقی و سیاسی ممثل حاکمیت ملی را در برابر معامله طالبان- آمریکا روشن ساخته از "خود برآمد" های سیاسی پرهیز نمایند. افغانستان ضرورت به رهبران ملی دارای اندیشه ملی، وطنپرستانه، پاک طینت، صادق و ممثل اراده و حق خود ارادیت ملی دارد یعنی:

رهبران امروز فردا متوجه باشند که بخاطر ملت کثیر القومی و با زبانها و مذاهب مختلف و برای خدمت به همه ملت مسئولیت وجدانی و وطنی دارند. باید ایده های ملی و فراقومی را در زبان، عمل و وجدان انسانی تبارز داده، بدان متعهد باشند. هیچ پشتونیزم و یا وتاجیکگرایی قومی در وجود تجاران قوم و دلایان دین که مظهر تفوق، افتراق، تبعیض، قومگرایی و دهها معضلات ناشی از آنها اند، چلش در بازار وفاق ملی، اندیشه ملی، وطنپرستی و ایده های نوین شکل گرفته در بین جوانان وطن ندارند و کسمخرا اند.

رهبران کنونی و آینده باید صاحب اندیشه ملی و در برابر هر گونه توفیق و تمایز موضع روشن، مصمم و با اراده قاطع را از خود و تیم کاری خود تبارز دهند و بر کلتور، زبان، تاریخ و فرهنگ تمام اقوام ساکن کشور احترام نموده خود را متعهد و مسئول انکشاف همه ارزش های فرهنگ پر افتخار ملی بدانند.

با غرور ملی باشند. ممثل با اراده و خلل ناپذیر منافع و ارزش های ملی و ارزش های تحول، ترقی، انکشاف و حقوق انسانی هر منطقه کشور بوده این حقوق را از نفوذ و فشار عقب گرائی، جهل و تاریکی پرستی محافظت نمایند.

با چهره ها و نهاد های مدافع کهنه پرستی، دامن زدن نفاق تعصب قومی، زبانی، مذهبی و جنسیتی با قاطعیت موضع گرفته اقدامات قانونی عدلی و قضائی را، بموقع، درعمل تطبیق نماید.

با زورمندان و مهره های مافیای مواد مخدر، بخصوص آنها که در زیر چتر مصئون طالبان، تروریزم، دولت های همسایه، آمریکا و انگریز، با قوت و بدون ترس و سازش، برخورد نماید.

در صورت حوصله مندی خواننده محترم میتوان به دو مقاله مرتبط به این خامه که قبلن به نشر رسیده اند، را نیز به خوانش گرفت.:

[بصیر دهزاد: بحران سیاسی کنونی افغانستان و ضرورت طرح اندیشه ملی](#)

[حقوق بشر و مفاهیم هویت، زبان و اتنیک در افغانستان](#)